

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
نومبر ۲۰۰۲

قسم است

(بخش دوم)

مستم از باده ایقان و به ایقان قسم است
نشئه از ساغر جانان و به جانان قسم است
نغمه عشق ، شنیدم ز مُنادی وجود
تار و پودم همه لرزان و به لرزان قسم است
چه حلاوت به مذاق و چه نشاطی به روان
باختم در رهش ایمان و به ایمان قسم است
تا که بیگانه شدم ، از خود و از هستی خود
شد هویدا ، همه پنهان و به پنهان قسم است
جلوه گر گشته به آئینه هستی ، عَدَمی
خاره سنگی شده مرجان و به مرجان قسم است
طلب وصل کجا و ، محک هجر کجا
گوهر عشق ، به میزان و به میزان قسم است
چه سعادت که میان همه زاغ و زغن
دیده ام بلبل خوشخوان و به خوشخوان قسم است

عذلیبی که به الحانِ خوشش زمزمه کرد
داستانِ غمِ هجران و به هجران قسم است
بخدا آب ، چو سیماب ، مفاصل گشتی
شب و روزم شده افغان و به افغان قسم است
آتشِ عشق ، بر افروخته ، در خانه دل
هست و بودم همه سوزان و به سوزان قسم است
عاشقان از سرِ اخلاص ، در آنجا به سُجود
شده منزلگه خوبان و به خوبان قسم است
مست از انم که یکی مست ، چو من پیدا شد
خادمِ عالمِ انسان و به انسان قسم است
به مقامی که رفیع است ، ندیدم ز کسی
خامه فقر به جولان و به جولان قسم است
حال در منزلِ جانانم و جانان به برم
جانِ « نعمت » شده قربان و به قربان قسم است